

ارزیابی عوامل اجتماعی-اقتصادی موثر بر سرمایه اجتماعی زنان (با تأکید بر نقش آن در اقتصاد گذار ایران)

نرجس نره‌ای ^۱	تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۱/۳/۶
بهروز صادقی عمروآبادی ^۲	تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۱/۴/۱۰
نجفعلی شهبازی ^۳	
روح‌الله غلامی ^۴	

چکیده

توسعه پایدار از جمله موضوعات مهم بین رشته‌ای است که فراتر از رشد اقتصادی بوده و به مباحث کیفی توسعه بسیار اهمیت می‌دهد. سرمایه اجتماعی نیز از متغیرهای کلیدی است که از جنبه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی و حتی به لحاظ محیط زیستی بر توسعه پایدار تأثیرات معناداری خواهد داشت. در این بین زنان و سرمایه اجتماعی رابطه تنگاتنگی با ادبیات توسعه پایدار دارند. با توجه به اهمیت سرمایه اجتماعی زنان در اقتصاد گذار کشورهای در حال توسعه این مقاله در پی جواب به سوالات زیر می‌باشد:

- ۱- عوامل اجتماعی و اقتصادی موثر بر سرمایه اجتماعی زنان جهت نیل به توسعه پایدار چیست؟
- ۲- آیا عوامل اجتماعی هم‌چون سن، تحصیلات بر سرمایه اجتماعی زنان موثر است؟
- ۳- آیا عوامل اقتصادی هم‌چون درآمد فرد، درآمد همسر، نوع شغل و طبقه اجتماعی و اقتصادی فرد بر سرمایه اجتماعی زنان موثر است؟

۱- کارشناسی ارشد مطالعات زنان دانشگاه شیراز. مدرس دانشگاه پیام نور

۲- دانشجوی دکتری اقتصاد دانشگاه اصفهان، مدرس دانشگاه پیام نور اصفهان

sadeghi.behruz@gmail.com

۳- دانشجوی دکتری مطالعات بین الملل دانشگاه جامع امام حسین (ع)

۴- دانشجوی دکتری مطالعات بین الملل دانشگاه جامع امام حسین (ع)

RhGholami@yahoo.com

روش این تحقیق پیمایش است. جمعیت نمونه آن ۶۰۰ نفر از زنان ۲۰ سال به بالای ساکن در شهر شیراز می‌باشند. از تکنیک پرسشنامه برای جمع‌آوری اطلاعات استفاده شده و اعتبار آن به روش صوری و پایایی آن به کمک آماره آلفای کرونباخ سنجیده شده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که درآمد، تحصیلات، نوع شغل و طبقه اقتصادی و اجتماعی از عوامل موثر و افزایش دهنده سرمایه اجتماعی زنان در کشور می‌باشد.

کلید واژه: عوامل اجتماعی - اقتصادی، سرمایه اجتماعی زنان، کیفیت زندگی، توسعه پایدار، رشد اقتصادی

مقدمه

سرمایه اجتماعی یکی از موضوعات جدیدی است که وارد ادبیات رشد و توسعه اقتصادی شده است. نکته مهم آن است که سرمایه اجتماعی از جنبه‌های بسیاری بر توسعه پایدار کشورهای درحال توسعه چون ایران موثر بوده و مورد نیاز اقتصادگذار کشورهای درحال توسعه می‌باشد. گادوین^۱ (۲۰۰۳) نشان داده است که سرمایه اجتماعی یکی از پنج نوع سرمایه‌ای است که برای توسعه پایدار لازم و ضروری است. سانگینگا و همکاران (۲۰۰۷)^۲ از این فراتر رفته و نشان داده‌اند که سرمایه اجتماعی عاملی کلیدی است که بر دیگر انواع سرمایه جهت نیل به توسعه پایدار تاثیرگذار است. بارانو^۳ (۲۰۱۱) به خوبی نشان داده است که سرمایه اجتماعی از متغیرهای کلیدی است که از جنبه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی و حتی به لحاظ محیط زیستی بر توسعه پایدار تاثیرات معناداری خواهد داشت. لذا با توجه به مطالعات گسترده^۴، در این تحقیق فرض می‌شود که سرمایه اجتماعی برای توسعه پایدار ضروری است.

مطالعات صاحب‌نظران اجتماعی نشان داده است که دستیابی به توسعه پایدار بدون مشارکت فعال زنان در تمامی عرصه‌ها اعم از خانوادگی، اقتصادی و

1 - Goodwin

2 - Sanging and et

3 - Baranov

4 - Asian Productivity Organization, 2006; Johnsson-Latham, 2007; Rydin, 2004; Rico, 1998.

اجتماعی امکان‌پذیر نیست. در بسیاری از کشورهای جهان سوم، راهبردهایی برای مشارکت عملی زنان در توسعه و برطرف شدن موانع اتخاذ شد. یکی از این راهبردها، «توانمندسازی» زنان است. منظر استراتژی‌های آنان بدون تلاش‌های مستمر و سیستماتیک سازمان‌های زنان و گروه‌های مشابه در قالب افزایش سرمایه اجتماعی، به جایی نخواهند رسید. کارهای مهمی که این سازمان‌ها می‌توانند انجام دهند نه تنها تغییرات قوانین، بلکه بسیج سیاسی نسبت به آگاه‌سازی عمومی و آموزش تخصصی است که بنیادی‌تر است. بنابر آنچه از ابعاد مفهومی توانمندسازی برداشت می‌گردد، این نظریه‌ها خواستار قدرت‌دادن به زنان، نه به معنای برتری یک فرد بر فرد دیگر، بلکه به معنای افزایش توان آنها برای اتکای به خود و گسترش حق انتخاب در زندگی هستند. (ریکو^۱، ۱۹۹۸)

زنان در سراسر جهان، از رهگذر کنش جمعی خود، مبارزه با ستمی را که به آنها می‌شود به زندگی روزانه‌شان مربوط می‌کنند. آنها دگرگونی شرایط خود را در خانواده با مداخله در حوزه عمومی مرتبط می‌دانند (کاستلز، ۱۳۸:۲۴۳). تحقیقات در مورد پیشرفت زنان در موقعیت‌های مدیریتی در سراسر جهان نشان می‌دهد علی‌رغم بالارفتن سرمایه‌های انسانی، همچنان زنان از صعود به موقعیت‌های بالا محروم مانده‌اند. از دیدگاه متس^۲ و تارنو^۳ گرچه زنان به لحاظ دستیابی به سرمایه‌های انسانی پیشرفت‌های زیادی داشته‌اند اما محدودیت‌های سرمایه اجتماعی، صعود شغلی و اجتماعی آنها را با دشواری مواجه ساخته است (متس و تارنو، ۲۰۰۱:۳۱۲). سوگیری در تحلیل جنسیتی می‌تواند به عنوان یک عامل جمعی سبب بازتولید تبعیض و نابرابری جنسیتی در جامعه شود و ساختار قدرت برتر مردانه را تقویت کند و زنان را از مشارکت جمعی و دخالت در امور مهم

1- Rico

2- Metz

3- Theranou.

تصمیم‌گیری محروم سازد. نوع و کیفیت سرمایه اجتماعی مردان و زنان متفاوت است. این امر مربوط به شبکه‌های اجتماعی، ارزش‌های جمعی، سطح تضاد و درگیری و ظرفیت مدیریت در دو جنس می‌باشد. با توجه به شبکه‌های اجتماعی، محققان معتقدند که زنان اغلب به روابط غیررسمی متکی هستند. متغیرهای ساختاری مثل تعداد فرزندان، وضعیت تأهل، سن، وضعیت اشتغال و میزان درآمد هم می‌تواند توضیح مناسبی برای تفاوت‌های جنسیتی در شبکه‌های اجتماعی باشد (ویسترمن^۱، ۲۰۰۵: ۵، ۱۷۸۴). اهمیت روزافزون منابع انسانی و نقش زنان در توسعه پایدار در سال‌های اخیر مورد توجه اندیشمندان قرار گرفته است. آمار تیا سن به نقش فاعلی زنان نظیر توانائی کسب درآمد مستقل، داشتن شغل بیرون از خانه و... تأکید کرده و آنرا عامل عمده‌ای در کاهش نابرابری جنسیتی و بهبود موقعیت زنان و ایجاد توسعه همه جانبه و پایدار می‌داند (سن، ۱۳۸۰: ۱۷-۱۶). گروه‌های اجتماعی مختلف از نظر نژاد و یا جنسیت، سرمایه‌های اجتماعی متفاوتی دارند، چون موقعیت ساختاری و شبکه‌های اجتماعی آنان خاص خودشان است و این امر می‌تواند برای آنها سودمند و یا مضر باشد. مثلاً نابرابری در سرمایه اجتماعی فرصت‌های کمتری در اختیار زنان و اقلیت‌ها قرار می‌دهد تا آنها بتوانند در استفاده از منابع یا تحرک شغلی خود موفق باشند (لین^۲، ۲۰۰۱: ۹۵). استفاده افراد از هر یک از معرف‌های سرمایه اجتماعی و اقتصادی به عنوان منبعی در رابطه اجتماعی قدرت محسوب می‌شود (اسوارتز^۳، ۲۰۰۲). سازمان OECD در گزارش جامعی در سال ۲۰۰۸^۴ با نام "جنسیت و توسعه

1- Westerman

2- Lin

3- Swartz

4- OECD, 2008; GENDER AND SUSTAINABLE DEVELOPMENT

پایدار" از جنبه‌های مختلف مانند، رشد اقتصادی، کاهش فقر، تکنولوژی، مدیریت و کارآفرینی، به اثرات حضور زنان بر توسعه پایدار پرداخته است. همان‌طور که بیان شد سرمایه اجتماعی نقش مهمی در توسعه اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی کشور دارد. از این‌رو شناسایی عوامل مؤثر در تقویت یا تضعیف سرمایه اجتماعی اهمیت به‌سزایی دارد. با توجه به اینکه زنان نیمی از مهم‌ترین سرمایه‌های انسانی و اقتصادی کشور هستند. وقتی که سرمایه اجتماعی و ابعاد آن در بین زنان تشکیل و گسترش می‌یابد، سبب می‌شود که زنان تلاش گسترده‌ای را برای توسعه همه جانبه کشور انجام دهند. همچنین آگاهی و اطلاع از میزان سرمایه اجتماعی آنان و دانستن نوع ارتباط آنان با یکدیگر برای هر نوع برنامه‌ریزی اجتماعی و فرهنگی آنان لازم و ضروری است. لذا نیاز است در این زمینه تحقیقاتی انجام گردد تا وضعیت سرمایه اجتماعی در بین این گروه مشخص گردد. در این مطالعه اثرات عوامل اجتماعی و اقتصادی موثر بر سرمایه اجتماعی زنان جهت نیل به توسعه پایدار بررسی می‌شود. این مقاله در پی پاسخ به سوالات زیر می‌باشد:

عوامل اجتماعی و اقتصادی موثر بر سرمایه اجتماعی زنان برای رسیدن به توسعه پایدار چیست؟

آیا عوامل اجتماعی هم‌چون سن، تحصیلات و... بر سرمایه اجتماعی زنان موثر است؟

آیا عوامل اقتصادی هم‌چون درآمد فرد، درآمد همسر، نوع شغل، طبقه اجتماعی-اقتصادی فرد بر سرمایه اجتماعی زنان موثر است؟

شناسایی این عوامل می‌تواند در جهت افزایش سرمایه اجتماعی زنان و کاهش نابرابری جنسیتی و در نهایت رشد و توسعه کشور گامی مفید باشد. لذا در بخش دوم مقاله ادبیات و پیشینه تحقیق مربوط به این موضوع مرور می‌شود.

ارائه الگو و متغیرهای تحقیق بخش دیگر مقاله را تشکیل می‌دهد. در بخش چهارم یافته‌های تحقیق بیان شده و در پایان نتیجه‌گیری و پیشنهادات لازم جهت بالابردن سرمایه اجتماعی زنان ارائه می‌گردد.

ادبیات و پیشینه تحقیق

- سرینی‌واسن^۱ (۲۰۰۹) در پژوهش که با "عنوان شبکه‌های اجتماعی و تصمیم‌گیری: مشارکت زنان در تصمیم‌گیری‌های خانواده" انجام داده است زنان شاغل و متأهل ۱۵-۴۹ ساله‌ی هندی را مورد کاوش قرار داده است. پژوهش به شیوه پیمایش و با ابزار پرسشنامه انجام شده و این نتیجه حاصل می‌گردد که اشتغال، درآمد، تحصیلات، مذهب و ساختار خانواده (هسته‌ای و غیرهسته‌ای) بر مشارکت زن در تصمیم‌گیری‌ها تاثیر قابل ملاحظه‌ای دارد. در مورد ساختار خانواده به این نکته اشاره می‌کند که، از آنجایی که شبکه اجتماعی بر تصمیم‌گیری تاثیر دارد، زنان خانواده‌های غیرهسته‌ای در تصمیم‌گیری‌ها مشارکت بیشتری دارند.

- گادوین (۲۰۰۳) در مقاله‌ای تحت عنوان "پنج نوع سرمایه مفید برای توسعه پایدار" به بررسی آثار سرمایه اجتماعی بر توسعه پایدار می‌پردازد. وی در این مقاله می‌افزاید که مفهوم سرمایه معانی مختلف دارد. تفکیک پنج نوع سرمایه مفید است: مالی، طبیعی، تولیدی، انسانی و اجتماعی. همه انواع سرمایه در داشتن توانایی برای جریان تولید خروجی‌های مطلوب اقتصادی سهیم هستند. حفظ هر پنج نوع سرمایه برای پایداری توسعه اقتصادی ضروری است. سرمایه مالی تولید اقتصادی را تسهیل می‌کند، اگرچه خودش به تنهایی مولد نیست، اما به یک سیستم مالکیت یا کنترل سرمایه فیزیکی اشاره می‌کند. سرمایه طبیعی از منابع و خدمات زیست محیطی جهان طبیعی ساخته شده است. سرمایه تولیدی شامل

دارایی‌های فیزیکی تولید شده توسط فعالیت‌های مولد انسان در سرمایه طبیعی و توانایی ارائه‌گریانی از کالاها و خدمات است. سرمایه انسانی به ظرفیت‌های تولیدی که یک فرد، از دو راه ارث و تحصیلات و دوره‌های آموزشی به دست آورده، اشاره می‌کند. سرمایه اجتماعی بحث‌برانگیزترین و دشوارترین سرمایه به لحاظ اندازه‌گیری می‌باشد، متشکل از اعتماد، درک متقابل، ارزش‌های مشترک و دانش حفظ شده به لحاظ اجتماعی است. وی در این مقاله اشاره می‌کند که در طول تاریخ اقتصادی، تمرکز از تمرکز مادی به تمرکز اطلاعاتی تکنولوژی منتقل شده است. این تکنولوژی‌ها صرفه‌جویی همزمان سه عامل کلاسیک تولید یعنی زمین، نیروی کار و سرمایه تولید را ممکن می‌سازد. در این سرمایه فناوری‌های اطلاعاتی می‌توانند گنجانده شوند یا گنجانده نشوند، و درک مشترک یا مراحل سرمایه انسانی و اجتماعی را شامل شوند. توسعه پایدار باید در برگیرنده باشد و یا همه موجودی سرمایه مولد از جمله سرمایه طبیعی را افزایش دهند که در حال حاضر از طریق تولید اقتصادی به پایان می‌رسد. حفظ و نگهداری از سرمایه‌های انسانی و اجتماعی به یک اندازه مهم است. بنابراین فعالیت‌های اقتصادی سه گانه سنتی ضروری تولید، مصرف و توزیع باید با یک عامل چهارم که همان نگهداری منابع است، تکمیل شود.

«هی‌پرپ»^۱ (۲۰۰۳) نیز تحقیق ناک و کیفی را گسترش داده است. او براساس مطالعه فوکویاما برای بررسی سرمایه اجتماعی در رشد اقتصادی، از «اعتماد تعمیم یافته»^۲ استفاده می‌کند. یعنی او مفهوم اعتماد را گسترش داده و اعتماد به افراد ناشناس را نیز به تحلیل خود اضافه کرده است. وی اعتقاد دارد که اعتماد در میان خانوارها در اغلب جوامع بالاست. آنچه که باعث ایجاد تفاوت اساسی در میان

کشورها می‌شود، میزان اعتماد تعمیم یافته است. براساس مطالعه وی، سرمایه اجتماعی به واسطه تاثیرگذاری بر سرمایه‌گذاری و افزایش آن، باعث افزایش رشد اقتصادی می‌شود.

- در گزارش دیگری از یک مشارکت توسط سازمان توسعه همکاری‌های اقتصادی (OECD)^۱ و کمیسیون سازمان ملل متحد در توسعه پایدار (UNCSD) همزمان بر جنسیت و محیط زیست کار شده است. هدف این گزارش بالا بردن درک صحیح از نقش زنان در حفظ سه رکن (اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی) توسعه پایدار می‌باشد. گزارش توسط برنامه افقی توسعه پایدار، OECD تهیه شده است و عمدتاً بر تجزیه و تحلیل OECD مبتنی است. داده‌های تحقیق مربوط به وضعیت زنان در کشورهای عضو OECD است ولی دیدگاه‌ها و کاربردهای سیاستی برای همه کشورها قابل اجراست. در این گزارش نحوه جنسیت‌سازی در آمار و تحقیقات و قوانینی توصیف می‌شود که می‌تواند منجر به سیاست‌های دولت پایدار و اقتصاد جهانی بهتر گردد. این گزارش بیان می‌کند که توسعه پایدار بر حفظ دراز مدت سرمایه اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی استوار است. در حالی که اهمیت سرمایه‌گذاری در دارایی‌های اقتصادی برای تضمین پیشرفت به مدت طولانی، شناخته شده است، توسعه پایدار توجه را به ابعاد زیست محیطی و انسانی که کلید رشد و توسعه است، معطوف می‌کند. محدودیت‌های جنسیتی بر نقش زنان و مردان که به‌طور اجتماعی ساخته شده‌اند و در طول تاریخ توسعه یافته‌اند، مبتنی است. بررسی جنبه‌های مختلف توسعه پایدار با دیدگاه‌های جنسیتی، مانند جایگاه زنان و هزینه‌های اقتصادی، شکاف جنسیتی مستمر را برجسته می‌کند. همچنین چگونگی بهبود سهم زنان در حال حاضر و اینکه چگونه استراتژی‌ها می‌توانند نیازهای نسل آینده زنان و مردان را

1 - OECD, 2008; GENDER AND SUSTAINABLE DEVELOPMENT.

به‌طور یکسان رفع کنند نیز برجسته می‌شود. این نوع "تولیدکردن" که کار سیاسی و آماری و تحلیلی را دربرمی‌گیرد OECD، پایه‌ای را برای اشاعه سیاست‌های روشنفکر، توسعه پایدار و رشد فراهم می‌کند.

- بارانو (۲۰۱۱) در مقاله‌ای با عنوان "مدیریت سرمایه اجتماعی به عنوان یک پایه اساسی برای توسعه پایدار از اطلاعات زیرساخت‌های بلاروس" چارچوبی را برای روش پژوهش سرمایه اجتماعی پیشنهاد می‌کند. هدف از تحقیق تجزیه و تحلیل عوامل تعیین‌کننده سرمایه اجتماعی قوی در بلاروس به عنوان اساس توسعه اطلاعاتی و اقتصادی عنوان شده است. وی توضیح می‌دهد که سرمایه اجتماعی با اهداف سیاست‌های اساسی به عنوان انسجام اجتماعی، مدیریت منابع و افزایش مشارکت عمومی در روندهای سیاسی مورد توجه است. سیاست‌گذاران علاقه خاصی داشتند که از سرمایه اجتماعی را به عنوان ابزاری برای توسعه پایدار اقتصادی و اجتماعی و محیط زیست استفاده کنند. ارتباطات اجتماعی که در مدرسه یا دانشگاه پدید آمده منابع مهمی برای دانش و مهارت‌های عملی است که به‌طور موثر آموزش رسمی را تکمیل می‌کند. سرمایه اجتماعی قوی‌تر و اتکای بیشتر دولت‌ها بر آن، می‌تواند باعث سیاست‌گذاری‌های موثرتری شود.

- اس. آرنستین (۲۰۰۹)^۱ مقاله‌ای در رابطه با مشارکت شهروندان در فعالیت‌های برنامه‌ریزی نوشته و این ایده را ارائه داده که کوتاه‌ترین راه از طریق استعاره به نردبان، با توانمندسازی شهروند با حرکت از عدم مشارکت (تقلب و فریب) به درجه‌ای از (اطلاع رسانی، مشورت، آشتی) به درجه توانایی شهروند (مشارکت و همکاری، واگذاری قدرت، کنترل شهروند) می‌باشد. باید تاکید کرد که اشکال مشارکت در تصمیم‌گیری نه‌تنها به تقویت سرمایه اجتماعی (مثلا از طریق یک

سطح بیشتری از مشارکت سیاسی، بهبود مسئولیت‌پذیری نهادهای حکومتی) منجر می‌شود بلکه احتمال افزایش کیفیت تصمیم‌گیری با استفاده از دانش محلی را نیز بالا می‌برد.

- امیری و رحمانی (۱۳۸۵) تحقیقی تحت عنوان "بررسی آثار سرمایه اجتماعی درون و برون گروهی بر رشد اقتصادی استان‌های ایران" انجام داده‌اند. در این پژوهش ابتدا مفاهیم و تعاریف سرمایه اجتماعی و سپس نحوه اثرگذاری دوگانه سرمایه اجتماعی بر رشد اقتصادی بررسی شده است. بدین منظور سرمایه اجتماعی به دو گروه سرمایه اجتماعی درون گروهی و برون گروهی تقسیم و سپس با استفاده از اطلاعات پیمایش «ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان» و «رفتارهای فرهنگی ایرانی» و براساس مدل‌های رشد اقتصادی تأثیر این دو متغیر بر رشد ۲۸ استان کشور طی دوره ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۲ بررسی شده است. با استفاده از روش OLS مشاهده می‌شود که سرمایه اجتماعی درون گروهی و برون گروهی رابطه منفی دارند. همچنین سرمایه اجتماعی برون گروهی اثر مثبت و معنی‌دار بر رشد اقتصادی دارد و علامت سرمایه اجتماعی درون گروهی به شاخص‌های سرمایه اجتماعی حساس است که می‌تواند مثبت یا منفی باشد.

«تاجبخش» (۱۳۸۲) در پژوهشی که در مورد ۲۵ شهر نمونه استان فارس انجام داد سه متغیر کارآیی نهادی، سرمایه اجتماعی و نوسازی اقتصادی را بررسی نمود. براساس نتایج این مطالعه بین کارآیی نهادی با سرمایه اجتماعی و مدرنیزاسیون و توسعه اقتصادی رابطه‌ای وجود ندارد. بین کارآیی و اعتماد نهادی رابطه‌ای مثبت و بسیار قوی وجود دارد و بین سطح آموزش و پایگاه اقتصادی-اجتماعی با هر دو نوع اعتماد نهادی و اجتماعی رابطه منفی و معنی‌داری وجود دارد. اعتماد به نهادها نیز رابطه مثبت و معنی‌داری با مشارکت‌های اجتماعی و سیاسی افراد دارد با توجه به اهمیت سرمایه اجتماعی

زنان در جهت نیل به توسعه پایدار و موجود نبودن تحقیق در زمینه عوامل موثر بر سرمایه اجتماعی زنان، این تحقیق به اثرات موثر اجتماعی و اقتصادی زنان می‌پردازد.

نظریه‌های سرمایه اجتماعی^۱

سرمایه اجتماعی به‌طور کلی شامل نهادها، روابط، گرایش‌ها، ارزش‌ها و هنجارهایی است که بر رفتارها و تعاملات بین افراد، حاکم است. به عبارت دیگر سرمایه اجتماعی آن دسته از شبکه‌ها و هنجارهایی است که مردم را قادر به عمل جمعی می‌کند. مفهوم سرمایه اجتماعی ریشه در قبل از سال ۱۹۱۶ دارد، یعنی زمانی که توسط هانی فان^۲ از دانشگاه ویرجینیای غربی به‌کار گرفته شد (ولکاک و نارایان^۳، ۲۰۰۲)، بعد از هانی فان مفهوم سرمایه اجتماعی تا ده‌ها سال از صحنه مباحث غایب بود تا اینکه دوباره به‌وسیله جامعه‌شناسان شهری کانادایی سیلی^۴، سیم^۵، لوسلی^۶ در دهه ۱۹۵۰ دوباره استفاده شد. در ۱۹۶۰ این مفهوم به‌وسیله یک نظریه‌پرداز مبادله‌ای به‌نام هومنز^۷ به‌کار برده شد.

این واژه در سال ۱۹۶۱ نیز نخستین بار در اثر کلاسیک جین جاکوب^۸، در مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکایی، بکار رفت و در سال ۱۹۷۰ گلن گلو^۹ از این واژه برای توضیح مشکلات درون شهری استفاده کرد (فوکویاما، ۲۳:۱۳۷۹). اگر بخواهیم کاربردها، مقاصد و تعاریفی را که در علوم اجتماعی از

-
- 1- Social capital
 - 2- Hani Fan
 - 3- Woolcock and narayan
 - 4- Seely
 - 5- Sim
 - 6- Loosely
 - 7- Homans
 - 8- Jacobs
 - 9- Glenn Gloury

این مفهوم می‌شود، دسته‌بندی کنیم، شاید در چندحیطه بتوان به ردیابی آن پرداخت (ذکایی، ۱۳۸۱). دسته‌ای ردیابی این مفهوم را از "کارل مارکس" جامعه‌شناس آلمانی آغاز می‌کنند. او به مسئله همبستگی از روی اجبار اشاره می‌کند، بدین معنی که شرایط منفی و بحرانی، افراد را به استفاده از انرژی جمعی، اتکا به یکدیگر و استفاده از پتانسیل‌های گروهی ترغیب می‌کند. رویکرد دیگر در آرای "جرج زیمل" جامعه‌شناس آلمانی قابل‌بازشناسی است یعنی جایی که از مفهوم "بده بستان" صحبت می‌کند، مبنای آن هنجارها و قواعد رفتاری است که افراد برای سامان بخشیدن به مناسبات بین فردی وضع می‌کنند. رویکرد سوم که اثرات عمیق و نسبتاً فراگیری بر جای گذاشته، مباحثی است که با کار "امیل دورکیم" جامعه‌شناس فرانسوی آغاز و بعد از او پارسونز آن را پیگیری کرد (متولی، ۱۳۸۴). دورکیم و پارسونز با نگاهی انتقادی به رویکردهایی که مفهوم سرمایه را به مبادلات اقتصادی تقلیل می‌دادند، به طرح مفهوم ارزش پرداختند و به تعهداتی اشاره کردند که مبنای آغاز ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی است (علاقبند، ۱۳۸۴).

نظریه کلمن ۱: کلمن از واژگان مختلفی برای تعریف سرمایه اجتماعی کمک گرفته است. به اعتقاد او سرمایه اجتماعی بخشی از ساختار اجتماعی است که به کنشگر اجازه می‌دهد تا با استفاده از آن به منافع خود دست یابد: "روابط اجتماعی هنگامی به وجود می‌آیند که افراد کوشش می‌کنند از منابع فردی خود به‌خوبی استفاده نمایند و نباید تنها به عنوان اجزای ساختارهای اجتماعی در نظر گرفته شوند. آنها را می‌توان برای افراد نیز در نظر گرفت. من این منابع اجتماعی - ساختاری را نوعی دارایی سرمایه‌ای برای فرد، یعنی سرمایه اجتماعی در نظر می‌گیرم" (کلمن، ۱۳۷۷: ۴۵۸، ۴۶۲).

کلمن در تحقیقات خود سرمایه اجتماعی را در سه سطح خرد، کلان و میانه مورد مطالعه قرار داده است. کلید واژه اصلی در مطالعات او اعتماد است. اعتماد فردی بین دو کنشگر (در سطح خود) و اعتماد متقابل گروه‌ها با هم (در سطح میانی) و نظام‌های اعتماد که در سطح نهادها و سازمانهای اجتماعی وجود دارد و از آن به نام اعتماد اجتماعی در سطح کلان یاد می‌کنند. کلمن منبع سرمایه اجتماعی را ذات روابط اجتماعی می‌داند. این روابط باید ویژگی‌های زیر را داشته باشد:

۱. براساس نظام تعهدات و انتظارات ایجاد شده باشد.
۲. از ظرفیت بالقوه‌ای برای مبادله سریع و آسان اطلاعات برخوردار باشد.
۳. مبتنی بر ارزش‌ها و هنجارهای پذیرفته شده و مشترک اجتماعی باشد.
۴. از ضمانت اجرایی مؤثر (رسمی و غیر رسمی) برخوردار باشد (وحیدا و دیگران، ۱۳۸۳).

از دید کلمن سرمایه اجتماعی یکی از شکل‌های سرمایه است که اگر مانند سرمایه اقتصادی و فیزیکی تجدید نشود با گذشت زمان مستهلک می‌شود. به این ترتیب روابط اجتماعی اگر حفظ نشود، به تدریج از بین می‌رود و انتظارات و تعهدات با گذشت زمان ضعیف و ناپدید می‌شود. زیرا حفظ هنجارها به ارتباط منسجم بستگی دارد (مدنی قهفرخی، ۱۳۸۲: ۱۷).

- **نظریه رابرت پاتنام**^۱: پاتنام سرمایه اجتماعی را در آثار متعدد خود با سه مولفه، به عنوان ویژگی سازمان اجتماعی تعریف می‌نماید که آن‌ها عبارتند از:

الف) شبکه‌ها، پاتنام روابط اجتماعی افراد و تعاملات آنان با یکدیگر را بنیادی‌ترین جزء سرمایه اجتماعی معرفی می‌کند و شبکه‌ها را به عنوان

خاستگاه دو مولفه دیگر سرمایه اجتماعی یعنی هنجارهای اعتماد و همیاری مطرح می‌سازد (پاتنام و گاس ۲۰۰۱: ۶).

ب) هنجارهای همیاری: او در تعریف از هنجارهای همیاری به دو نوع متوازن^۱ و تعمیم یافته^۲ اشاره می‌نماید. در نوع متوازن با مبادله همزمان چیزهای با ارزش برابر، مانند موقعی که همکاران روزهای تعطیلاتشان را با هم عوض می‌کنند، مواجه هستیم. اما در نوع تعمیم یافته رابطه تبادلی مداومی در جریان است که در همه حال یک طرفه و غیر متوازن است اما انتظارات متقابلی ایجاد می‌کند، مبنی بر اینکه سودی که اکنون اعطا شده، باید در آینده بازپرداخت گردد (پاتنام ۲۰۰۰: ۱۳۴).

ج) اعتماد: یکی از عناصر ضروری برای تقویت همکاری، اعتماد است که حاصل پیش‌بینی‌پذیری رفتار دیگران است که در یک جامعه کوچک از طریق آشنایی نزدیک با دیگران حاصل می‌شود؛ اما در جوامع بزرگ‌تر و پیچیده‌تر یک اعتماد غیر شخصی‌تر یا شکل غیر مستقیم از اعتماد ضرورت می‌یابد. پاتنام افزایش مشارکت‌های مدنی و گسترش شبکه‌های اجتماعی را ناشی از ساز و کارهای تبدیل اعتماد شخصی به اعتماد اجتماعی یا تعمیم یافته می‌داند (پاتنام، ۱۳۸۰).

- **نظریه فرانسیس فوکویاما^۳:** فوکویاما نسبت به دیگران دسته‌بندی منظم‌تری را از منابع سرمایه اجتماعی ارائه می‌دهد. وی منابع سرمایه اجتماعی و راه‌های ایجاد آن را در چهار گروه قرار می‌دهد:

- ۱- منابع نهادی که از طریق قوانین و نظام‌های قانونی تأمین می‌شود.
- ۲- منابع خودجوش که از کنش‌های متقابل اعضای یک جامعه به وجود می‌آید.

1-Balanced Reciprocity
2-Generalized Reciprocity
3-Francis Fukuyama

۳- منابع برون زاد مانند ایدئولوژی، دین، فرهنگ و تجربه تاریخی مشترک که از کنش‌های متقابل اعضای یک اجتماع به وجود می‌آید.

۴- منابع طبیعی که از طریق نظام خویشاوندی و یا قومیت و نژاد ساخته می‌شود (وحیدا و دیگران، ۱۳۸۳).

از نظر فوکویاما سرمایه اجتماعی را به سادگی می‌توان به عنوان مجموعه معینی از هنجارها یا ارزش‌های غیررسمی تعریف کرد که اعضای گروهی که همکاری و تعاون میانشان مجاز است در آن سهیم هستند. هنجارهایی که سرمایه اجتماعی تولید می‌کنند، اساساً باید شامل سجاییی از قبیل صداقت، انجام تعهدات و ارتباطات دو جانبه باشند (فوکویاما، ۱۳۷۹: ۱۲-۱۱). فوکویاما ضمن تأیید اهمیت خانواده به مثابه شکلی از سرمایه اجتماعی، به جوامعی اشاره می‌کند که در آن‌ها به توازن میان مناسبات خانوادگی و مناسبات اجتماعی تأکید می‌شود (خانواده مداری اخلاقی) و اصولاً به دلیل وجود روابط اخلاقی غیررسمی در شبکه‌ها، وجود پدیده‌هایی از قبیل آشناپروری، پارتی‌بازی، ناشکیبایی و نژادپرستی را همیشه محتمل می‌داند، که البته می‌بایست از اشکال واقعی سرمایه اجتماعی تفکیک گردند. از نظر فوکویاما مفهوم شعاع اعتماد شامل توانایی افراد جامعه به فراتر رفتن از خانواده و خویشان، داشتن همکاری و همیاری با دوستان و دیگر شهروندان خلاق می‌شود (فوکویاما، ۱۹۹۹: ۱۷).

جدول ۱: تعریف، کارکرد/هدف و سطح تحلیل سرمایه اجتماعی

نظریه پردازان	تعریف	کارکرد/هدف	سطح تحلیل
پانتام	شبکه‌های روابط اجتماعی که مشخصه‌های آنها هنجارهای اعتماد و همیاری است.	تسهیل کنش جمعی و کسب منفعت متقابل	مناطق، اجتماعات در مقیاس‌های ملی و بین‌المللی
بورديو	منابعی که دسترسی به کالاهای جمعی را فراهم می‌سازد.	تولید سرمایه اقتصادی	رقابت‌های طبقاتی
کلمن	جنبه‌هایی از ساختارهای اجتماعی که کنش‌های منطقی را تسهیل می‌نمایند.	تولید سرمایه انسانی	افراد در زمینه‌های خانوار و دیگر اجتماعات
لین	دسترسی و استفاده از منابع نهفته در روابط و شبکه‌های اجتماعی	تولید منابع قدرت و حفظ آنها	افراد در شبکه‌ها و ساختارهای اجتماعی
فوکویاما	مجموعه‌ای از هنجارها یا ارزش‌های غیر رسمی	ترویج تعاون و همکاری، کارایی اقتصادی و ثبات دموکراسی	جوامع و فرهنگ‌ها
ولکوک و ناربان	شبکه‌ها و همگرایی بین بخش‌های مختلف	تقویت ارتباط و استفاده بهینه از منابع	محلی و ملی
کاکس	پویش‌های بین مردم که شبکه‌ها، هنجارها و اعتماد اجتماعی را موجب می‌شوند.	تسهیل هماهنگی و تعاون و تقویت تساهل و تسامح	افراد در سازمان‌های داوطلبانه
ترنر	نیرویی که توان توسعه اقتصادی را در جامعه از طریق روابط اجتماعی افزایش می‌دهد.	توسعه اقتصادی بهینه و قابلیت جمعی تولید	خرده، میانی، کلان
گیدنز	روابط اجتماعی در مقیاس‌های محلی و فرامحلی مقوم نظم اجتماعی	نظم اجتماعی، کاهش فساد و تبهکاری اجتماعی	محلی و جامعه

(منبع: غفاری، ۱۳۸۴: ۲۵۲)

هر یک از پژوهشگران برای بیان مفهوم و شناخت سرمایه اجتماعی، جنبه‌ای از واقعیت سرمایه اجتماعی را به تصویر کشیده‌اند. در حالی که عده‌ای از

محققین، سرمایه اجتماعی را معادل اعتماد و هنجارهای مشترک اجتماعی تعریف می‌کنند، عده‌ای دیگر آن را بخشی از نگرش‌های اخلاقی و فرهنگی مانند دل‌سوزی، نوع دوستی و بردباری توصیف کرده‌اند و بعضی دیگر بر نهادها و کیفیت و کمیت زندگی مشارکتی تأکید دارند سرمایه اجتماعی با کاهش هزینه‌های مبادلاتی و کمک به تثبیت حقوق مالکیت و جنبه‌های مختلف دیگر می‌تواند بر کارایی بخش‌ها و نهادهای مختلف جامعه تأثیر بسزایی داشته باشد. یکی از این موارد که به صورت جدی مورد توجه اقتصاددانان قرار گرفته است. ناک و کیفر در مطالعه خود به دنبال بررسی اثر سرمایه اجتماعی بر رشد و توسعه اقتصادی بودند. آنها با مطالعه درباره ۲۹ کشور، پی برده‌اند که افزایش سرمایه اجتماعی و اعتماد می‌تواند باعث افزایش رشد اقتصادی گردد به طوری که تغییر در اعتماد به میزان یک انحراف معیار (تقریباً نزدیک به ۱۴ درصد)، رشد را بیش از نیم درصد از انحراف معیار (۵۶٪ درصد)، دچار تغییر می‌کند. هم‌چنین در مطالعه‌ای که بیوگلس دیک و ون چیک (۲۰۰۵) انجام دادند رابطه سرمایه اجتماعی و رشد اقتصادی در ۵۴ منطقه اروپا را مورد بررسی قرار دادند. آنها با استفاده از مدل تعمیم یافته بارو به این نتیجه رسیدند که سرمایه اجتماعی دارای اثر مثبت و معنی‌داری بر رشد اقتصادی می‌باشد؛ به این ترتیب که یک انحراف معیار در شاخص فعالیت‌های گروهی، رشد اقتصادی را ۳٪ درصد بالا می‌برد. رشد اقتصادی تنها به اندازه و میزان نیروی انسانی بستگی ندارد؛ بلکه به کارایی آن نیز بستگی دارد. بهبود در کیفیت نیروی انسانی موجب می‌شود که از یک طرف عامل کار ماهرتر، کارآزموده‌تر و تواناتر گردد و از طرف دیگر، بهبود و پیشرفت در دانش و تکنولوژی نیز سبب می‌شود تا عامل سرمایه کاراتر و مولدتر عمل کند.

سرمایه اجتماعی و رشد و توسعه پایدار

امروزه برخلاف گذشته عوامل اصلی تولید، دیگر عوامل سنتی مانند کار، زمین و سرمایه نیستند. تحقیقات زیادی در این زمینه انجام شده است. نتایج نشان داده که علاوه بر عوامل تولید سنتی، عوامل جدید و مدرن از قبیل سرمایه اجتماعی و شاخص‌های حاکمیت دولت که به متغیرهای نهادی نیز معروف می‌باشند و در اقتصاد امروزی نقش بسیار مهمی ایفا می‌نمایند. این عوامل تولید جدید باید مورد توجه جدی مسئولان کشور در عرصه اقتصادی قرار گیرد. اقتصاددانان توسعه، برای سرمایه اجتماعی و انسانی، ارزش بسیار بالایی قائل شده‌اند، زیرا امروزه اقتصاد دانان توسعه، برای تعریف توسعه‌یافتگی یکی از شاخص‌های مهم را سرمایه اجتماعی و انسانی تلقی می‌نمایند.

سرمایه اجتماعی دارای آثار و کارکردهای متفاوت می‌باشد که می‌تواند به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم بر رشد اقتصادی تاثیر بگذارد. در حقیقت سرمایه اجتماعی یک متغیر کیفی پنهان است که از طریق اثرگذاری بر مبادله و کاهش هزینه‌های آن موجب سهولت در مبادله، افزایش همکاری و بهبود عملکرد اقتصاد می‌گردد. بهبود کارایی در تخصیص منابع از طریق افزایش عدالت در توزیع امکانات، وضعیت هنجاری جامعه را متأثر ساخته و قدرت منابع سرمایه اجتماعی را در تعیین ساخت کلان جامعه افزایش می‌دهد. این چرخه خود منجر به افزایش سرمایه اجتماعی در سطح جامعه می‌گردد. به عبارت دیگر می‌توان مشاهده نمود که بین سرمایه اجتماعی، کارایی اجتماعی و رشد اقتصادی یک رابطه دو سویه قابل شناسایی و تعریف می‌باشد (مؤیدفر، ۱۳۸۵: ۱۱۵). رومر مشابه کلمن (۱۹۹۰)، پوتنام، لئوناردی و نانتی (۱۹۹۳) اشاره می‌کند که ساختار اجتماعی یکی از تعیین‌کننده‌های مهم برای ارتقای بهره‌وری فعالیت‌های اقتصادی است. (سوری، ۱۳۸۳)

تا چند دهه‌های اخیر، دانشمندان علم اقتصادی رشد و توسعه اقتصادی یک کشور را مرهون منابع طبیعی می‌دانستند. پس از آن، طی نیم قرن اخیر و با ظهور نئوکلاسیک‌ها، تشکیل سرمایه انسانی نیز مورد نظر قرار گرفت، اما کمتر به تعاملات اجتماعی و نقش ارزش‌ها و فرهنگ و به‌طور کلی، نهادهای رسمی و غیررسمی در اقتصاد توجه شد. با به وجود آمدن مکتب "نهادگرایان جدید" به نقش نهادها و به‌خصوص سرمایه اجتماعی در رشد و توسعه اقتصادی بیشتر توجه شد به‌طوری که بانک جهانی از این نوع سرمایه به عنوان "ثروت نامرئی" یاد می‌کند. اگر روابط متقابل اجتماعی که فرهنگ، آداب و رسوم، هنجارها، نهادها، شبکه‌های اجتماعی و غیره در چگونگی تشکیل آن نقش دارند، در جهت مثبت رشد و تکامل یافته باشد، می‌تواند در تعاملات و مبادلات اقتصادی باعث کاهش هزینه‌های مبادلاتی و تأثیر بر سایر انواع سرمایه شود و در نهایت بر رشد اقتصادی تأثیرگذار باشد (نارایان و پریچت، ۲۰۰۰).

در این زمینه نورت (۱۹۹۰) در مورد معمای رشد و تفاوت رشد در تولید ناخالص ملی در بین کشورهای مختلف، نقش نهادهای رسمی و غیر رسمی را در تبیین و فهم عملکرد اقتصادی بسیار مهم می‌داند که یکی از مفاهیم مهم در این راستا سرمایه اجتماعی است که نقش آن در عملکرد اقتصادی یک کشور، یک منطقه، یک گروه و حتی یک بنگاه بسیار مهم است. در واقع با توجه به این موضوع که حدود ۴۰ تا ۶۰ درصد از رشد را نمی‌توان توسط عوامل تولید تبیین کرد، تمپل^۱ برای تبیین این موضوع با در نظر گرفتن مباحث سرمایه اجتماعی و توانایی اجتماعی در مدل رشد نئوکلاسیکی سولو به عنوان پسماند مدل، اشاره می‌کند که با این سرمایه می‌توان شیوه بهتری برای رشد اقتصادی ارائه کرد (تمپل، ۱۹۹۹). مطالعات بین کشوری نشان می‌دهد که بین رشد اقتصادی و

سرمایه اجتماعی رابطه مستقیمی وجود دارد. برخی مطالعات بیانگر این است که اعتماد یک متغیر کلیدی در تبیین رشد اقتصادی است (ناک، ۲۰۰۲). برخی از مطالعات نیز به سرمایه اجتماعی دولت پرداخته‌اند که بیانگر آزادی شهروندان، آزادی سیاسی، تعدد انتخابات، ریسک سیاسی و ... است. به عنوان مثال این مطالعات دریافته‌اند که عدم اعتماد بین دولت و مردم موجب کاهش معناداری در رشد اقتصادی شده است (گریور و تیولات، ۱۹۸۹)^۱. از طرف دیگر مطالعاتی نیز به بررسی اعتماد بین مردم و اثر آن بر رشد اقتصادی پرداخته‌اند. در یک مطالعه این نتیجه به دست آمده که با افزایش ۱۲ درصد اعتماد بین مردم، درآمد سالانه یک درصد افزایش می‌یابد (ناک و کیفور، ۱۹۹۷)^۲. هم‌چنین در مطالعه دیگری برای دوره ۱۹۷۰ تا ۱۹۹۳ مشخص شد که اعتماد بین مردم رابطه مثبت و معناداری با رشد اقتصادی دارد (لاپورتا، ۱۹۹۷). مطالعات مقطعی انجام شده بین کشوری حاکی از ارتباط قوی بین اعتماد و رشد است. یکی از اثرات سرمایه اجتماعی، افزایش بهره‌وری نیروی انسانی سازمان‌هاست. در سازمان‌های کسب و کار، سرمایه اجتماعی منبع مهمی از بهره‌وری به شمار می‌رود. مطالعات انجام شده در این زمینه، نشان‌دهنده تاثیر سرمایه اجتماعی بر کارایی و بهبود کیفیت محصولات، و در نتیجه تاثیر سرمایه انسانی بر بهره‌وری و نهایتاً رشد اقتصادی را نشان می‌دهند (صالحی، ۱۳۸۸).

- **وولکاک و نارایان:** وولکاک و نارایان با استفاده از دیدگاه هم‌افزایی^۳ برای بررسی جامع‌تر سرمایه اجتماعی آن را در سه بعد مورد ارزیابی قرار می‌دهند(آن همپشایر، لیزآیرس و کارن هیلی، ۲۰۰۲). این ابعاد عبارتند از:

۱- سرمایه اجتماعی درون‌گروهی یا محدود،

1- Grier and Tullock
2- Knack and Keefer
3- Synergy

۲- سرمایه اجتماعی برون‌گروهی یا اتصالی،

۳- سرمایه اجتماعی ارتباطی.

سرمایه اجتماعی درون‌گروهی یا محدود به آن دسته از پیوندهای اجتماعی اشاره دارد که بر تشابه و صمیمیت استوار هستند. در این بعد از سرمایه اجتماعی بر منابع شخصی محدود مثل پیوندهای خانوادگی، همسایگی و پیوندهای دوستی نزدیک تأکید می‌گردد. برخی از اسناد تحقیقی نشان می‌دهند که این شکل از سرمایه اجتماعی با ارتقا دادن تفاهم و پشتیبانی متقابل بر کیفیت زندگی تأثیر می‌گذارد (کتل، ۲۰۰۱). این نوع سرمایه اجتماعی می‌تواند دو کارکرد اساسی داشته باشد، یکی اینکه مانند چسب اجتماعی، همبستگی اجتماعی را تقویت می‌کند، دیگر اینکه بده بستان‌های خاص درون گروهی را تقویت می‌کند. سرمایه اجتماعی برون‌گروهی به آن نوع ارتباطی اشاره دارد که در بین افراد به جای اتکا به نزدیکی‌های شخصی و هویت مشترک، برعلاقی مشترک متکی است. شبکه‌های نامتجانس‌تر برون‌گروهی به ارتباطاتی اشاره دارد که گرانوتر^۱ از آن به‌عنوان پیوندهای ضعیف یاد می‌کند. نمودهای عمده این بعد از سرمایه اجتماعی را می‌توان در شبکه‌های اجتماعی و عضویت در انجمن‌ها و گروه‌های غیر محلی مشاهده نمود (آن همپشایر، لیزآیرس و کارن هیلی، ۲۰۰۲). تقویت اتصال با منابع خارجی و تسهیل انتشار اطلاعات دو کارکرد اصلی سرمایه اجتماعی اتصالی هستند. سرمایه اجتماعی ارتباطی به‌طور اخص به پیوندهای اجتماعات و افراد با قدرت رسمی اشاره دارد و به‌طور اعم به ارتباط بین افراد و گروه‌هایی اشاره می‌کند که در ساختار قدرت موقعیت‌های متفاوتی را اشغال می‌کنند. این نوع پیوندها در ارتباط با اعتماد به حکمرانی^۲ و نظام‌های کارشناسی^۳ هستند (استون و

1- Granoveter

2- Governance

3- Expert system

هیوجزا، ۲۰۰۱). برخلاف دو نوع قبلی این نوع سرمایه صرفاً بر ارتباطات عمودی اشاره دارد. کارکرد اصلی که این نوع سرمایه را باید در دسترس افراد و گروه‌ها و بخش‌های مختلف دولتی، غیر دولتی، تجاری و بازرگانی دید.

چارچوب نظری

با توجه به اینکه یک نظریه واحد که بتواند بحث سرمایه اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن را تبیین نماید، وجود ندارد، بنابراین از یک چارچوب نظری ترکیبی به تفکیک متغیرهای مستقل تحقیق برای تبیین رابطه این متغیرها با میزان سرمایه اجتماعی استفاده شده است.

سن، یکی از عوامل اجتماعی مؤثر بر شکل‌گیری سرمایه اجتماعی است. چون سن براساس درآمد و زمان فراغت در مقاطع مختلف متفاوت است، بنابراین مشارکت اجتماعی فرد نیز در مراحل مختلف سنی متفاوت است. برخی از تحقیقات نشان می‌دهد که ارتباط سن و انجمن‌پذیری و مشارکت اجتماعی به صورت رابطه U معکوس است. البته به علت تغییر سن با متغیرهای درآمد، آموزش، موقعیت‌های شغلی، موقعیت‌های خانوادگی و تأهل می‌توان تغییر در میزان سرمایه اجتماعی را در در مقاطع مختلف سنی تحلیل نمود (آفه و فاجز، ۲۰۰۲؛ گلیرز، ۲۰۰۱). آموزش و تحصیلات نیز از متغیرهای تأثیرگذار بر شکل‌گیری سرمایه اجتماعی هستند. براساس پیمایش ارزش جهانی در اکثر کشورها، این متغیر با سایر متغیرهای اجتماعی در ارتباط است. به زعم مطالعات گلیرز، لابیسون و ساکردوت، افزایش حضور در کلیسا، میزان اعتماد و کوشش در حل مسائل محلی در بین افراد با تحصیلات دانشگاهی و ارتباط اجتماعی در بین افراد تحصیل‌کرده بیشتر است (گلیرز، ۲۰۰۱). وضعیت اشتغال با سرمایه اجتماعی رابطه معناداری دارد و شاغلین نسبت به بیکاران فعالیت انجمنی بیشتری دارند (آفه و فاجز، ۲۰۰۶:۲۰۰۲). ضمن اینکه برخی از تحقیقات نیز نشان

داده است که افراد در مشاغلی که بیشتر اجتماعی هستند مانند پزشک، پلیس، مهندس و استاد دانشگاه نسبت به مشاغلی مثل دوزنده، بافنده و کارمند که کمترین میزان اجتماعی بودن را دارند از سرمایه بیشتری برخوردارند. (گلنزر، ۲۰۰۰). پایگاه اجتماعی-اقتصادی صرف نظر از نام‌های گوناگون همچون موقعیت طبقاتی یا منزلت اجتماعی که بدان می‌دهند یکی از مهم‌ترین و کاربردی‌ترین متغیرهای مستقل در تحلیل رفتارها، ایستارها و عقاید افراد و موقعیت آنها در سلسله مراتب اجتماعی است (فردرو، ۱۳۷۸: ۳۱) تحقیقات مختلف نشان داده‌اند که وضعیت اجتماعی و اقتصادی یکی از عوامل تعیین‌کننده سرمایه اجتماعی است (آفه و چافز ۲۰۰۲، گلنزر ۲۰۰۱، پارگان و همکاران ۱۹۹۸). از دیگر عوامل اجتماعی موثر بر سرمایه اجتماعی، میزان استفاده از رسانه‌های جمعی است. وسایل ارتباط جمعی ممکن است باعث تغییرات مهمی در رفتار اشخاص شود. یک رسانه همگانی از روش‌های مختلف سبب تقویت سرمایه اجتماعی جامعه می‌شود. گفته شده است که رسانه‌های همگانی یکی از منابع سه‌گانه اطلاعات هستند. منابع گوناگون و متنوع اطلاعات مسیر، اصلی و کلیدی ارائه آگاهی‌ها، دانش و معلومات است (گیتل و ویدال، ۱۹۹۸). از نظر گیدنز، نیز رسانه‌های جمعی یکی از تأمین‌کنندگان نقاط اتصال به شمار می‌روند. از این رو با میزان اعتماد افراد رابطه دارند «رویکرد اعتماد یا عدم اعتماد به نظام‌های انتزاعی خاص تحت تأثیر شدید تجارب ما در نقاط دسترسی و همچنین آن دسته دانش‌های روز قرار دارند که از طریق رسانه‌های ارتباطی و منابع دیگر، در دسترس افراد عادی و متخصصان فنی قرار می‌گیرند» (گیدنز، ۱۳۸۰: ۱۰۸).

چارچوب مفهومی این بررسی در بخش سرمایه اجتماعی با بهره‌گیری از نظرات وولکاک و نارایان و پاتنام تنظیم شده است. گسترش و تسهیل شبکه ارتباطات و پیوندهای اجتماعی سطح دسترسی افراد و گروه‌ها را به منابع

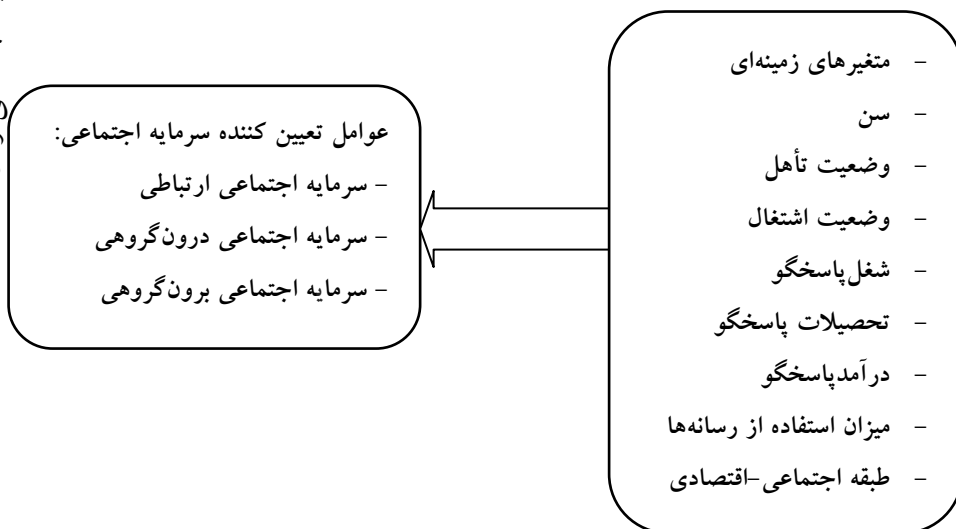
اقتصادی و اجتماعی ارتقاء می‌دهند. وجود کنش‌های جمعی و حل مسئله به صورت گروهی باعث استفاده بهتر از منابع اجتماعی، تقلیل هزینه‌های اجتماعی و افزایش کارایی برنامه‌های اقتصادی، اجتماعی و عمرانی در سطح جامعه می‌گردد. مطالعات متعدد نشان داده‌اند که عدم کارایی بسیاری از برنامه‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی اجرا شده در برخی از مناطق جغرافیایی با کیفیت روابط و پیوندهای موجود در بین مردم با همدیگر و با ارگان‌های رسمی و هنجارهای تثبیت‌کننده آنها ارتباط دارد.

پاتنام یکی از نظریه‌پردازان مشهور سرمایه اجتماعی معتقد است: سرمایه اجتماعی اغلب محصول جانبی سایر فعالیت‌های اجتماعی می‌باشد. این سرمایه به طور معمول در پیوندها، هنجارها و اعتمادها تشکیل می‌شود و از یک شرایط اجتماعی به شرایط دیگر انتقال‌پذیر است (پاتنام، ۸۰، ۱۳). «شبکه‌های مشارکت مدنی»، «هزینه‌های بالقوه عهدشکنی» را در هر معامله افزایش می‌دهند و منافی را که فرد انتظار دارد از دیگر «معاملات همزمان» نصیبش شود به خطر می‌اندازد. شبکه‌های مشارکت مدنی به زبان تئوری بازی‌ها، تکرار پیوند درونی بازی‌ها را افزایش می‌دهد. همچنین شبکه‌های مشارکت مدنی ارتباطات را تسهیل می‌کند و جریان اطلاعات را در مورد قابل اعتماد بودن افراد بهبود می‌بخشد (پاتنام، ۱۳۸۰ و ۱۳۸۴). پاتنام (۲۰۰۰) به نقل از «دیک و اسمولدرس» (۲۰۰۳) سرمایه اجتماعی برون‌گروهی را به عنوان پل ارتباطی گروه‌های اجتماعی گوناگون تعریف می‌کند؛ درحالی که سرمایه اجتماعی درون گروهی تنها گروه‌های هم‌جنس را پیوند می‌دهد. پاتنام سرمایه اجتماعی را براساس منابع آن تعریف می‌کند. وی به سرمایه اجتماعی به صورت کلان می‌نگرد و سرمایه اجتماعی را در رشد و توسعه اقتصادی کشور مؤثر می‌داند و به این لحاظ تعریف او جمعی بوده و سرمایه اجتماعی را به منزله دارایی گروه‌ها و جوامع تلقی می‌کند.

فوکویاما معتقد است که سرمایه اجتماعی، سرمایه فردی نیست، بلکه سرمایه گروهی است. در نهایت در صورت وجود سرمایه اجتماعی، شاهد بسط و گسترش فرآیند مشارکت در حوزه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی و نیز بسط انجمن‌های داوطلبانه خواهیم بود، فرآیندی که می‌تواند سازوکاری مؤثر برای نیل به توسعه باشد (فوکویاما، ۱۳۷۹: ۹۷).

مدل تجربی تحقیق

با توجه به ادبیات تحقیق و اهمیت سرمایه اجتماعی زنان و اثر آن بر توسعه پایدار، عوامل موثر بر سرمایه اجتماعی زنان با توجه به نظریه وولکاک و نارایان، مدل تجربی پژوهش به صورت زیر می‌باشد.



روش

در این پژوهش جمع‌آوری اطلاعات و با استفاده از روش پیمایش می‌باشد. جامعه آماری در این تحقیق زنان بیست سال به بالای ساکن در شهر شیراز می‌باشند که نمونه مورد نیاز مطابق با نتایج سرشماری سال ۱۳۸۵ در این شهر، انتخاب می‌شوند. طبق نتایج سرشماری سال ۱۳۸۵ تعداد زنان بالای ۲۰ سال

ساکن در شهر شیراز ۳۹۸۰۱۴ نفر است. با قرار دادن این اعداد در فرمول کوکران عدد ۵۹۸ نفر به دست می‌آید. در این تحقیق در مجموع ۶۰۰ پرسشنامه تکمیل شده است.

در جامعه آماری مورد نظر با توجه به اینکه ما باید از بین مناطق مختلف نمونه خود را انتخاب می‌کردیم، از روش نمونه‌گیری سهمیه‌ای چند مرحله‌ای استفاده کردیم. پایایی یکی از وجوه تحلیل گویه محسوب می‌شود. در این مطالعه با استفاده از نرم افزار spss مقدار آلفای کرونباخ برای هر طیف یا سنجه محاسبه شد. همان‌گونه که در جدول (۱) ملاحظه می‌شود، ابعاد سه گانه سرمایه اجتماعی را نشان می‌دهد. سرمایه اجتماعی برون‌گروهی با ۱۳ گویه معادل ۰/۷۲ و سرمایه درون‌گروهی با ۱۳ گویه برابر ۰/۷۹ است و سرمایه ارتباطی با ۲۲ گویه دارای آلفای ۰/۸۴ است.

جدول ۲: پایایی ابعاد سه گانه سرمایه اجتماعی

عنوان سنجه	تعداد گویه	مقدار ضریب آلفا
سرمایه اجتماعی برون‌گروهی	۱۳	۰/۷۲
سرمایه اجتماعی درون‌گروهی	۱۳	۰/۷۹
سرمایه اجتماعی ارتباطی	۲۲	۰/۸۴
سرمایه اجتماعی	۳۵	۰/۸۸

متغیرهای مستقل

سن: منظور تعداد سال‌های سپری شده از عمر پاسخگو، از لحظه تولد تا زمان تحقیق است که متغیری فاصله‌ای است.

تحصیلات: بیانگر تعداد سال‌هایی است که فرد پاسخگو صرف فراگیری آموزش رسمی نموده و متغیری است که در سطح فاصله‌ای سنجیده می‌شود.

- وضعیت تاهل: موقعیت فرد از نظر ازدواج که به چهار دسته مجرد (ازدواج نکرده)، متأهل (ازدواج کرده)، بیوه و مطلقه تقسیم می‌شود.

- وضعیت اشتغال: منظور فعالیتی است که زن انجام می‌دهد، با توجه به این متغیر زن‌ها به دو دسته شاغل و خانه‌دار تقسیم می‌شوند. شاغل کسی است که شغلی خارج از خانه دارد و از آن شغل درآمدی کسب می‌کند. منظور از غیرشاغل کسی است که هیچ شغلی خارج از خانه ندارد، بنابراین زنان دارای مشاغل خانگی جزء زنان غیرشاغل محسوب می‌شوند. این متغیر در سطح اسمی سنجیده می‌شود.

- درآمد زن: مقدار پولی است که پاسخگو ماهیانه دریافت می‌کند، این متغیر در سطح فاصله‌ای سنجیده می‌شود.

- شغل: منظور نوع شغلی است که زنان شاغل در آن مشغول به فعالیت می‌باشند.

- میزان استفاده از رسانه‌ها: به میزان کاربرد وسایل ارتباط جمعی (تلویزیون، رادیو، ماهواره، روزنامه، مجله و اینترنت) توسط فرد دلالت دارد.

متغیر وابسته

- سرمایه اجتماعی: به موقعیت‌ها و روابط موجود در گروه‌های اجتماعی گفته می‌شود که با جمع نمرات پاسخگویان از سنجه‌های سرمایه اجتماعی برون‌گروهی، سرمایه اجتماعی درون‌گروهی و ارتباطی، سرمایه اجتماعی هر فرد قابل محاسبه خواهد بود.

- سرمایه اجتماعی برون‌گروهی: بیانگر عضویت و فعالیت فرد در نهادها و انجمن‌های مختلف و میزان مشارکت سیاسی آنان است.

- سرمایه اجتماعی درون‌گروهی: به پیوندهای اجتماعی اشاره دارد که بر تشابه و صمیمیت استوار هستند، مثل روابط خانوادگی و همسایگی.

یافته ها

در این بخش از مقاله، پس از مروری بر توزیع فراوانی انواع سرمایه اجتماعی در نمونه مورد بررسی، تحلیل چند متغیره برای تعیین اثرات عوامل اجتماعی اقتصادی بر سرمایه اجتماعی زنان بیان می شود.

جدول ۳: ویژگی های جمعیتی، اجتماعی پاسخگویان بر حسب درصد

ویژگی های جمعیتی و اجتماعی پاسخگویان (درصد)									
وضعیت اشتغال		میزان تحصیلات		تعداد فرزندان		وضعیت تأهل		گروه سنی	
۳۵/۷	شاغل	۲/۵	بیسواد	۲۱/۰۸	فرزند ۰	۳۶/۸	مجرد	۴۹/۴	۲۹-۲۰
۶۴/۴	غیرشاغل	۴/۸	ابتدایی	۲۵/۱۳	فرزند ۱	۵۹/۲	متأهل	۳۷/۷	۳۹-۳۰
۱۰۰	جمع	۱۱/۲	راهنمایی ومتوسطه	۲۵/۶۷	فرزند ۲	۴/۰	بیوه ومتلقه	۹/۵	۴۹-۴۰
		۳۰/۸	دیپلم	۱۳/۲۴	فرزند ۳	۱۰۰	جمع	۳/۵	۵۰ به بالا
		۴۴/۸	فوق دیپلم ولیسانس	۱۵/۶۷	۴ تا و بیشتر			۱۰۰	جمع
		۵/۸	فوق لیسانس ودکتری	۱۰۰	جمع				
		۱۰۰	جمع						

منبع: یافته های تحقیق

ویژگی های، اجتماعی پاسخگویان که ۶۰۰ نفر بودند، شامل میزان تحصیلات، تعداد فرزندان، وضعیت اشتغال زنان، گروه های سنی در جدول شماره (۱) آمده است. همان طور که مشاهده می شود ۳۵ درصد از پاسخگویان شاغل و ۶۵ درصد آنان غیرشاغل بوده اند. از نظر تحصیلات نیز بیشترین درصد پاسخگویان فوق دیپلم و لیسانس و کمترین درصد مربوط به گزینه بیسواد می باشد. تقریباً نیمی از پاسخگویان در سن ۲۰ تا ساله هستند و ۵۹ درصد از زنان متأهل می باشند.

پس از بررسی و مشاهده ویژگی های جمعیتی-اجتماعی پاسخگویان به نتایج آزمون رابطه بین متغیرهای مستقل بر سرمایه اجتماعی کلی پرداخته می شود.
جدول ۴: نتایج آزمون رابطه بین متغیرهای مستقل بر سرمایه اجتماعی کلی

متغیر	R	R ²	ADJ.R ²	B	Beta	F	Sig
سن	۰/۰۶۱	۰/۰۰۴	۰/۰۰۲	۰/۰۳۲	۰/۰۶۱	۲/۲۱	۰/۱۳
درآمد	۰/۱۷۶	۰/۰۳۱	۰/۰۲۶	-۰/۰۰۷	-۰/۱۷۶	۶/۸۱	۰/۰۱۰
رسانه ها	۰/۰۱۶	۰/۰۰۰	-۰/۰۰۱	۰/۰۰۷	۰/۰۱۶	۰/۱۴	۰/۷۰
تحصیلات	۰/۱۳۲	۰/۰۱۷	۰/۰۱۶	-۰/۰۲۸	۰/۱۳۲	۱۰/۵۵	۰/۰۰۱
طبقه	فراوانی	میانگین	انحراف از معیار	F	sig		
بالای بالا	۱۰	۵۳/۷	۷/۶۸	۴/۱۶	۰/۰۰۰		
بالا	۴۴	۳۹/۴۷	۷/۰۱				
بالای پایین	۲۵	۴۰/۴۴	۶/۲۳				
متوسط بالا	۱۹۰	۳۸/۳۵	۷/۳۵				
متوسط	۲۵۸	۳۸/۵۷	۷/۱۹				
متوسط پایین	۵۳	۴۰/۶۰	۸/۶۰				
پایین	۲۰	۳۳/۸۰	۱۱/۰۶				
وضعیت تأهل							
مجرد	۲۲۱	۱/۰۴	۱۸/۴۸	۱/۱۱	۰/۳۴		
متأهل	۳۵۵	۱/۰۶	۱۸/۷۵				
بیوه و مطلقه	۲۴	۱/۰۸	۱۸/۸۵				
شغل:							
کارمند	۱۳۳	۴۴/۰۶	۱۰/۵۱	۴/۹۵	۰/۰۰۱		
خدماتی	۶۰	۴۷/۷۶	۱۱/۴۴				
عالی	۲۱	۳۷/۹۵	۸/۶۲				
وضعیت اشتغال:				مقدار T			
شاغل	۲۱۴	۹۴/۱۹	۱۸/۷۹	۴/۶۰	۰/۰۰۰		
غیر شاغل	۳۸۶	۸۴/۹۱	۱۸/۲۰				

سرمایه اجتماعی کلی

همان‌طور که در جدول مشاهده می‌شود درآمد یکی از متغیرهایی است که رابطه معناداری با سرمایه اجتماعی دارد زیرا درآمد به‌عنوان یک منبع مهم دستیابی زنان به قدرت محسوب می‌شود و به زنان قدرت انتقاد و چانه‌زنی بیشتری می‌دهد. هرچه درآمد زنان افزایش یابد مشارکت سیاسی آنها و عضویت در انجمن‌ها افزایش می‌یابد. سطح تحصیلات هم یکی دیگر از ابزارهای بالابردن پایگاه اجتماعی زنان محسوب می‌شود که در این پژوهش با سرمایه اجتماعی رابطه معناداری دارد. زنانی که تحصیلات بالاتری دارند، چون سطح اطلاعاتی به‌روزتر و بالاتری نسبت به سایر زنان دارند، قدرت مقاومت و انتقاد بیشتری دارند. نتایج نشان می‌دهد که نوع شغل رابطه معناداری با سرمایه اجتماعی دارد و به نوعی مشاغل عالی سرمایه‌ای کمتر و افرادی که در شغل‌های خدماتی هستند سرمایه اجتماعی بیشتری دارند.

طبقه اجتماعی - اقتصادی یک متغیر مهم دیگر محسوب می‌شود، که همان‌طور که در جدول مشاهده می‌شود، در هفت طبقه دسته‌بندی شده است و با سرمایه اجتماعی رابطه معناداری دارند. هر چه سطح طبقه آنان بالاتر باشد سرمایه اجتماعی زنان هم افزایش می‌یابد. دلیل این قضیه را می‌توان در سطح اطلاعاتی و نگرش متفاوت زنان در طبقات مختلف دانست، که زنان طبقات بالاتر اطلاعات بیشتری دارند و مشارکت بیشتری در انجمن‌ها و گروه‌ها و امور سیاسی و اجتماعی دارند و زنان در طبقات پایین‌تر آگاهی‌های پایین‌تری دارند. وضعیت اشتغال هم با سرمایه اجتماعی رابطه معناداری دارد و این هم برمی‌گردد به اینکه زنانی که شاغل هستند بیشتر در عرصه‌های اجتماعی حضور دارند و رابطه مستقیمی با نهادهای اجرایی و دولتی دارند. پس سرمایه اجتماعی آنها بالاتر است.

بحث و نتیجه‌گیری

سرمایه اجتماعی عامل مهمی است تا انتخاب مردم برای پیشرفت اجتماعی و اقتصادی گسترش یابد. این امتیاز سرمایه اجتماعی به‌طور مستقیم از بسیاری از اهداف و سیاست‌های اجتماعی دولت پشتیبانی می‌کند. بنابراین برای حفظ این مزیت باید فرصت‌های برابری برای ساخت و استفاده از سرمایه اجتماعی ایجاد شود در غیر این صورت به جای اینکه نیرویی برای برابری بیشتر باشد می‌تواند عاملی باشد که نابرابری اطلاعاتی را عمیق‌تر و مستمرتر کند.

تعاملات اجتماعی، زمان‌بر است و در مقابل سایه فعالیت‌های اقتصادی مانند کار و خرید قرار می‌گیرد. انتظار می‌رود تفاوت فرهنگ‌ها بر تمایل افراد در برقراری تعاملات اجتماعی مؤثر باشد. در این زمینه گرایش‌های «مادی‌گرایی» نیز تأثیرگذار است. برای پیوند روابط اجتماعی و عملکرد اقتصادی از مفهوم سرمایه اجتماعی استفاده می‌شود در اغلب متون، از سرمایه اجتماعی به اعتماد تعبیر شده است. اعتماد و تعامل بین شهروندان و کارگزاران اقتصادی با تسهیل در معاملات و مذاکرات و کاهش نظارت منجر به کاهش هزینه‌های مبادلاتی و در نتیجه افزایش رشد اقتصادی می‌شود (امیری و رحمانی، ۱۳۸۵). در حال حاضر زنان که نیمی از سرمایه انسانی جهانی هستند کم ارزش شده و در سراسر جهان کمتر مورد استفاده می‌گیرند. به عنوان یک گروه از زنان، کمک‌های بالقوه آنها برای پیشرفت‌های اقتصادی، اجتماعی و حفاظت از محیط زیست به حاشیه رانده شده است. استفاده بهتر از جمعیت زنان جهان، می‌تواند رشد اقتصادی را افزایش و فقر را کاهش دهد، رفاه اجتماعی را افزایش دهد و توسعه پایدار را در همه کشورها تضمین کند. زنان با عضویت در شبکه‌ها و انجمن‌ها، منابع مالی، عاطفی و قدرت زیادی کسب می‌کنند. همان‌گونه که بورديو بیان می‌کند سرمایه اجتماعی حاصل جمع منابع بالقوه و بالفعلی است که نتیجه مالکیت شبکه بادوامی از

روابط نهادینه شده بین افراد و به عبارت ساده‌تر عضویت در یک گروه است. پیوندهای شبکه باید از نوع خاصی باشند یعنی مثبت و مبتنی بر اعتماد. از نظر وی سرمایه اجتماعی نوعی محصول اجتماعی است که ناشی از تعامل اجتماعی می‌باشد (بورديو، ۱۹۸۹). گذشته از این، سرمایه اجتماعی که در واقع ارزش‌ها و هنجارهای جامعه، استحکام تعهدات بین افراد، گروه‌ها و تا حد زیادی مشارکت اجتماعی را تأمین کند، در مواقع بحرانی و مشکلات به انسجام جامعه نیز کمک می‌کند. به عبارت دیگر گسترش شبکه روابط خانوادگی، دوستانه، همسایگان و... کیفیت زندگی زنان را در تمام ابعاد بالا می‌برد و زنان با قدرتی که از این طریق به دست می‌آورند، می‌توانند در جهت تغییر جایگاه و حق خود موفقیت‌های زیادی کسب کنند.

پاتنام معتقد است که سرمایه اجتماعی اغلب محصول جانبی دیگر فعالیت‌های اجتماعی می‌باشد. که در این مطالعه این فعالیت‌ها در قالب شاخص‌های ترکیبی همچون درآمد، اشتغال، تحصیلات، رسانه گروهی، وضعیت تأهل، نوع شغل و طبقه اجتماعی-اقتصادی ارائه شده است. همان‌طور که نتایج این تحقیق نشان می‌دهد، وضعیت اشتغال با سرمایه اجتماعی روابط معناداری دارد و شاغلین نسبت به بیکاران فعالیت انجمنی بیشتری دارند. شناخت و آگاهی، مطالعه مطبوعات، اعتماد عمومی و اعتماد به اعضای خانواده در بین شاغلین بیشتر است. همچنین مشارکت رسمی در بین شاغلین بیشتر است. بالاخره سرمایه اجتماعی با شاغل بودن رابطه مثبت دارد. بنابراین تلاش بیشتر مسئولین برای افزایش نرخ اشتغال بالاخص در بین زنان قشر جوان و تحصیلکرده گام مهم و مثبتی در افزایش سرمایه اجتماعی و به تبع آن رشد اقتصادی و توسعه خواهد بود. ضمن اینکه در برخی از تحقیقات نیز نشان داده است که افراد در مشاغلی که بیشتر اجتماعی بوده‌اند از میزان سرمایه اجتماعی

بیشتری برخوردار هستند کارمند، حسابدار، دوزنده و... کمترین میزان اجتماعی بودن را دارند و مشاغل عالی مانند پزشک و پلیس از بیشترین میزان اجتماعی بودن برخوردارند (گلیزر، ۲۰۰۱ و ۲۰۰۲) اما در این تحقیق نوع شغل زنان که در سه طبقه مشاغل عالی، کارمند و خدماتی قرار گرفته‌اند با سرمایه اجتماعی رابطه معناداری داشت و بر خلاف مطالعه گلیزر مشاغل خدماتی و عالی بیشترین سرمایه اجتماعی را دارا بودند و مشاغل عالی کمترین سرمایه را داشتند.

افزایش درآمد زنان منجر به افزایش انگیزه برای عضویت در شبکه‌های اجتماعی و مشارکت سیاسی شده که این خود باعث آگاهی‌رسانی و افزایش قدرت شخصی برای زنان در سطح خاص و افزایش رفاه عمومی خانواده در سطح اقتصادی جامعه می‌شود. لذا یکی از مهم‌ترین پیشنهادات سیاستی مبنی بر افزایش سرمایه اجتماعی زنان، اشتغال‌زایی و افزایش درآمد برای آنان با سرمایه‌گذاری‌های لازم از طرف دولت و بخش خصوصی می‌باشد. یکی دیگر از مهم‌ترین نتایج تحقیق حاکی از اثرگذاری مثبت و معنادار طبقه اجتماعی و اقتصادی بر سرمایه اجتماعی زنان در کشور می‌باشد. با توجه به یافته‌های تحقیق زنانی که خانواده آنها پایگاه اقتصادی-اجتماعی بالاتری داشتند، سرمایه اجتماعی‌شان نیز بیشتر بوده است. لذا پیشنهاد می‌شود مسئولان ذیربط برای افزایش سطح رفاه اقتصادی-اجتماعی خانواده‌ها تلاش مضاعفی مصروف کنند. در واقع کشور ایران با حرکت در مسیر توسعه و با افزایش درآمد سرانه طی سالیان اخیر و با بهبود فاکتورهای توسعه از جهات مختلف و افزایش سرمایه اجتماعی زنان خودبه‌خود مسیر مطلوبی را طی خواهد کرد، اما سیاست‌گذاری‌های دولت مبنی بر افزایش رشد اقتصادی و بهبود شاخص‌های توسعه‌ای با سرمایه‌گذاری-های بهینه و افزایش کارایی و سیاست‌های مطلوب توزیع درآمد، تامین اجتماعی و افزایش رفاه می‌تواند این مسیر را هموار و

کوتاه‌تر نماید. پاتنام سرمایه اجتماعی را براساس منابع آن تعریف می‌کند، بنابراین تحصیلات، درآمد و وضعیت اشتغال هر کدام به نوعی یکی از منابع دست‌یابی به سرمایه اجتماعی بالا هستند. وی به سرمایه اجتماعی به صورت کلان می‌نگرد و آن را در رشد و توسعه اقتصادی کشور مؤثر می‌داند و به این لحاظ تعریف او جمعی بوده و سرمایه اجتماعی را به منزله دارایی گروه‌ها و جوامع تلقی می‌کند. به گفته بانک جهانی "شواهد نشان می‌دهد که سرمایه اجتماعی برای کاهش فقر و توسعه پایدار اقتصادی و انسانی بسیار موثر است." یکی از روش‌های توسعه جامعه شامل تمرکز زدایی با شیوه کنترل از دور متخصصان است.

منابع

- ۱- امیری، میثم؛ رحمانی، تیمور؛ (۱۳۸۵)، بررسی آثار سرمایه اجتماعی درون و برون گروهی بر رشد اقتصادی استان‌های ایران. فصلنامه علمی-پژوهشی جستارهای اقتصادی، سال ۳، شماره ۶، پاییز و زمستان ۱۳۸۵ صص ۱۵۲-۱۱۱
- ۲- پاتنام، رابرت؛ (۱۳۸۰)، *دموکراسی و سنت‌های مدنی*. ترجمه: محمد تقی دلفروز، تهران، دفتر مطالعات و تحقیقات سیاسی وزارت کشور.
- ۳- پاتنام، رابرت و ... (۱۳۸۴)، *سرمایه اجتماعی، اعتماد، دموکراسی و توسعه، گردآورنده کیان تاجبخش*. ترجمه افشین خاکباز و حسن پویان، انتشارات شیرازه، تهران.
- ۴- تاجبخش، کیان؛ (۱۳۸۲)، *سرمایه اجتماعی و مشارکت در شوراها در استان فارس*. معاونت امور اجتماعی و شوراهای وزارت کشور.
- ۵- توسلی، غلامعباس و مرضیه موسوی، (۱۳۸۴)، مفهوم سرمایه در نظریات کلاسیک و جدید با تأکید بر نظریه‌های سرمایه اجتماعی. فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۲۶، زمستان ۱۳۸۴.
- ۶- سوری، علی؛ (۱۳۸۳)، *سرمایه اجتماعی و عملکرد اقتصادی*. مجله تحقیقات اقتصادی، شماره ۶۹، صص ۱۰۸-۸۷.
- ۷- سن، آمارتیا؛ (۱۳۸۱)، *توسعه به مثابه آزادی*. ترجمه: وحید محمودی، تهران، دستان.

- ۸- ذکایی، سعید؛ (۱۳۸۱)، نظریه و روش در تحقیقات کیفی. فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۱۷، صص ۶۸-۴۲.
- ۹- علاقبند، مهدی؛ (۱۳۸۴)، درآمدی بر سرمایه اجتماعی. مجله اینترنتی فصل نو.
- ۱۰- غفاری، غلامرضا؛ (۱۳۸۴)، طرح ملی سنجش و تبیین سرمایه اجتماعی در ایران. تهران، دفتر امور اجتماعی وزارت کشور.
- ۱۱- غفاری، غلامرضا و نازمحمد، انق؛ (۱۳۸۵)، سرمایه اجتماعی و کیفیت زندگی. مجله مطالعات اجتماعی ایران، ویژه‌نامه: تغییرات و توسعه اجتماعی در جنوب ایران، دوره اول، شماره اول، بهار ۱۳۸۵، صص ۱۹۹-۱۵۹.
- ۱۲- فردرو، محسن؛ (۱۳۷۸)، پایگاه اقتصادی-اجتماعی و مصرف کالاهای فرهنگی (منطقه ۱۹ و ۳ شهر تهران)، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی.
- ۱۳- فوکویاما، فرانسیس؛ (۱۳۷۹)، پایان نظم سرمایه اجتماعی و حفظ آن. ترجمه: غلامعباس توسلی، تهران، انتشارات جامعه ایران.
- ۱۴- کاستلز، امانوئل؛ (۱۳۸۰)، عصر اطلاعات و قدرت و هویت. ترجمه: حسن چاوشیان، تهران، طرح نور.
- ۱۵- کلمن، جیمز؛ (۱۳۷۷)، بنیادهای نظریه اجتماعی. ترجمه: منوچهر صبوری، تهران، نشر نی.
- ۱۶- گیدنز، آنتونی؛ (۱۳۸۰)، پیامدهای مدرنیته. ترجمه: محسن ثلاثی، چاپ دوم، تهران، مرکز.
- ۱۷- متولی، رضا؛ (۱۳۸۴)، چشم‌انداز سرمایه اجتماعی. فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، شماره اول، بهار ۱۳۸۴.
- ۱۸- مدنی قهفرخی، سعید؛ (۱۳۸۲)، پیامدهای جنسیتی تخریب سرمایه اجتماعی. فصلنامه پژوهش زنان، دوره اول، شماره ۵، بهار ۱۳۸۲، صص ۳۴-۷.
- ۱۹- مویدفر، سعید؛ (۱۳۸۵)، نابسامانی‌های اجتماعی یا سازگاری عرفی. فصلنامه جامعه شناسی ایران، شماره ۳، صص ۹۹-۸۳.
- ۲۰- وحید، فریدون؛ کلانتری، صمد؛ فاتحی، ابوالقاسم؛ (۱۳۸۳)، رابطه سرمایه اجتماعی با هویت اجتماعی دانشجویان. مجله علمی پژوهشی دانشگاه اصفهان، جلد ۱۷، شماره ۲.

- 1- APO. (2006), **Potential of Social Capital for Community Development**, ISBN: 92-833-7050-3. Published by the Asian Productivity Organization
- 2- Arnstein, S. (2009). A ladder of citizen participation // **Journal of the American Institute**
- 3- Baranov. A. 2011. "MANAGEMENT OF SOCIAL CAPITAL AS A BASIS FOR THE SUSTAINABLE DEVELOPMENT OF INFORMATION INFRASTRUCTURE OF BELARUS " ISSN 1822-6760. Management theory and studies for rural business and infrastructure development. **Research papers**. 2011. Nr. 1 (25).
- 4- Beugelsdijk, Sjoerd;, Smulders, Sjak (2003), **Bridging and Bonding Social Capital: which type is good for economic growth?**, ERSA
- 5- Cattel, V.(2001). Poor People, Poor Places and Poor health: The mediating role of Social Networks and Social Capital. **Social science and medicine**,1501-1516
- 6- Bourdie,P.(1989). "Social space and symbolic power". **sociological theory**. Vol.7,No.1,pp.14.
- 7- Clark JR, Lawson RA(2008). Economic growth evaluation income distribution research tax policy evaluation, **Journal of private enterprise**, 20:55-80.
- 8- Fukuyama, F.(1999). **The Great Disruption, Human Nature and The Reconstion of Social order**, New York: Simon and schuste
- 9- Goodwin. N. R. (2003). Five Kinds of Capital: Useful Concepts for Sustainable Development, **G-DAE Working Paper** No. 03-07
- 10- Glaeser, Edward L. (2001). **The Formation of Social Capital, organization for Economic Coperation and Development**, www.oecd.org
- 11- Gittle, R.J., and Vidal, A.(1998). **Community organizing: Building Social Capital "**, The American development strategy. Thousand Oaks, CA: Sage Publication
- 12- Hjerppe, Reino(2003). **Social Capital and Economic Growth**, International Conference on Social Capital, arranged by Economic and Social Research Institute of Jappnese Government,Tokyo, March 24-25.
- 13- IFAD. (2006), **Enhancing the Role of Indigenous Women in Sustainable Development** Experience with Indigenous Women in Latin America and Asia,Third Session of the Permanent Forum on Indigenous Issues.

- 14- Karen Healy & Liz Ayres & Anne Hampshire (2003), **Social Capital and Quality of life in Geographically Diverse Communities**, Melborn
- 15- Knack, S., and Keefer, P. (1997), Does Social capital have an economic Pay-off? A cross country investment, **Quarterly Journal of Economic**, VoL:112, No:4, PP:1251-1288.
- 16- Latham, J. G. (2007), **A Study on Gender Equality as a Prerequisite for Sustainable Development, Report to the Environment Advisory Council**, Sweden.
- 17- Lin,N.(2001). **Social Capital: Theory of Social Capital and Action**.Cambridge University press
- 18- Metz, I. And P.Tharanou. (2001). Woman's career advancement: The relative contribution of human and social capital. **group and organization management**.vol.26,No.39pp.312-342
- 19- Narayan, D., Pritchett, L. (2000). **Social capital: Evidence and implications Social capital: A multifaceted perspective**. Washington: World Bank D. C.
- 20- Narayan, D., Pritchett, L. (2000). **Social capital: Evidence and implications Social capital: A multifaceted perspective**. Washington: World Bank D. C.
- 21- OECD. (2008). Gender and Sustainable Development Maximising the Economic, **Social and Enviromental Role of Women of Planners**. Nr. 35(4).
- 22- Offe,C and Fuchs, S (2002). **A decline of Social Capital? The German Case**, Published in.
- 23- Pargan, S. Gilligan, D. and Hug, M.(1998). **Social Capital in Solid Waste Management: Evidence from Dhaka Bangladesh**, social Capital Initiative Working Paper 16
- 24- Putnam, R. (2000) **Social Capital: Measurement And Consequences** Kennedy School Of Government, Harvard University.
- 25- Putnam, R. And K.A. Goss (2001) **Introduction”In Democracies In Flux: The Evaluation Of Social Capital In Contemporary Socially**, R. Putnam (Ed.) Oxford University Presses
- 26- Rico, M. N. (1998). **Gender, The Enviroment and the Sustainability of Developpment** , United Nation October 1998. Santiago, Chile.

- 27- Rydin, Y., and Holman, N.(2004), Re-evaluating the contribution of social capital in achieving sustainable development. **Local Environment** 2004; 9[2]: 117–133.
- 28- Sangingal P. C. And et al. (2007). **Tracking Social Capital Outcomes and Sustainability of Local Policies in Natural Resources Management** Natural Resurses Systems Programer 8494 annex a:Scientific Report.
- 29- Srinivasan, Kannan.(2009). **Social Networks and Decision – Making:Women’s Participation in Household Decisions**. Achutha Menon Center for Health Science Studies.
- 30- Stone & Huges ,J (2001) **Sustaining Communities: An Emprical Investigaion Of social Capital In Regional Australia**. paper presented of SEGRA 2001 fifth national conference.10-12 .september 2001 Townsville.
- 31- Swartz,D.L.(1998). The Sociology of Habit:The Perspective of Pierre Bordieu. **The Occupational Theory Jornal of Reaserch**. Vol.12,No, 3,pp59- 78
- 32- Westerman,O.(2005). Gender and social capital: the Importance of Gender Diffrences for the Maturity and Effectiveness of Natural RESOURCE Management Group. Ashby,Jacqueline and Guled pretty. **world Developmant**. vol.33, no.11, pp.1783-1779
- 33- Woolcock, Michael, (1998). Social Capital and Economic development: Toward a Theoretical Synthesis and Policy, Framework, **Theory and Society** 27(2):151-20